

افسانه تحریف قرآن

محمد محسنی دهکلانی

دانشجوی دکتری و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بابل

◆ چکیده:

نتیجه نهایی و غایی در تضارب افکار میان فرق و نحل و مکاتب متعدد فکری، ارتقای اندیشه ها و تحکیم مبانی نظری دیدگاه‌هاست. اما بعضاً این هدف والا و غایت منتهای مورد خدشه واقع می‌گردد. یکی از عوامل تخریب کننده و عقیم ساز این ارتقاء یا بهتر بگوییم یکی از موانع پیشبرد آن، تعصب و لجاجت بر اندیشه‌هاست. مکتب انسان ساز اسلام مستثنی این قاعده نیست و همگان خود شاهدیم هرگاه این عصبیتها و نادیده انگاریها نسبت به سایر مذاهب اسلامی بر روح لطیف و عنیق اسلام غلبه یافته نتیجه معکوس داده است. مسأله تحریف کتاب مقدس اسلام میان فرق مختلف اسلامی عموماً و میان اکثریت سنی و اقلیت شیعه خصوصاً مطرح بوده و فی الجمله مورد رد و انکار علما، صاحب نظران، اربابان مذهبین و متولیان مدرستین بوده است. شاید بتوان گفت قدمت طرح این مسأله به میزان عمر خود قرآن کریم می‌باشد. البته بدیهی است، مسأله‌ای با طول چنین قدمتی بایستی به مرحله‌ای از پختگی و یا به تعبیر صحیحتر آن به نقطه‌ای از اتفاق و اجماع رسیده باشد تا محل نزاع واقع نگردد. اظهار نظر بزرگانی از فریقین چون ابوالحسن اشعری (م ۳۲۴) و شیخ علی الاطلاق امامیه، شیخ الطائفه (م ۴۶۰) و سایرین از علمای نحل مختلف اسلامی بر نزاهت دو مذهب مؤیدی است بر اینکه قول به عدم تحریف قرآن کریم نظر صائب عامه مسلمین می‌باشد. اما متأسفانه باید اذعان داشت، به دلیل همان روحیه جدال و عصبیتهای جاهلانه موضوعاتی نظیر همین بحث اخیر هنوز هم بعد از این مدت جسته و گریخته در محافل عموماً غیر علمی و در محیطی مملو از حقد نسبت به مخالف مطرح می‌شود. کتابی با عنوان بیان حقیقت که ظاهراً در پاکستان چاپ و نشر یافته است چندی پیش از این به دست نگارنده رسید، نویسنده کتاب در پاسخ مریدانی که از او خواسته بودند نظرشان را پیرامون فرقه شیعه بیان نماید با نگارش کتاب فوق به طرح سه موضوع لعن صحابه، تحریف قرآن، و ولایت و امامت ائمه پرداخت و با این توجیه که چون شیعه اولاً بعضی از صحابه پیامبر نظیر خالد بن ولید و بعضی از خلفای راشدین را لعن می‌کند و ثانیاً قائل به تحریف کتاب وحی می‌باشد و ثالثاً با پذیرش امامت ائمه خویش و دفاع از آن مسأله خاتمت رسول مکرم اسلام را قبول ندارد نتیجه می‌گیرد که شیعه در اصل نام گروهی باطل و مخرب دین مبین است و از زمره مسلمانان خارج می‌باشد (رک. مقدمه کتاب بیان حقیقت. ص ۵) در این مقاله صرفاً نظر به اشکال دوم ایشان داشته و با عنایت به مباحث قدماً پاسخ مناسب بدان داده شده است.

کلمات کلیدی: تعریف معنوی، تحریف لفظی، قرآن، مابین الدفتین، فصل الخطاب

تحریف در لغت : حرفاً، حرف، انحراف، تحرف و احرورف همگی به معنای عدول از

چیزی و میل از شی‌ای است. (المنجد ص ۱۲۶)

تحریف در اصطلاح : تحریف بر دو نوع است معنوی و لفظی

الف) تحریف معنوی:

یعنی تفسیر به رأی به وجهی نامعقول و تأویل ناپسند و در آوردن معانی آیات بر وفق مراد و خواسته‌های هوای نفس. در قرآن در چهار مورد واژه تحریف آمده است که همه اشاره به همین نوع از تحریف دارند «من اللّٰذین هادوا یحرفون الکلم عن مواضعه» (نساء: ۴۶) «یحرفون الکلم عن مواضعه و نسوا حظا مما ذکرنا به» (مائده: ۱۳) «یحرفون انکلم من بعد مواضعه یقولون ان اوتیتم هذا فخذوه» (مائده: ۴۱) «و قد کان فریق منهم یسمعون کلام الله ثم یحرفونه من بعد ما عقلو» (بقره: ۷۵)

ب) تحریف لفظی: که خود سه قسم دارد:

۱) تحریف بالتقیصه (۲) تحریف بالزیاده (۳) تحریف بالترتیب.

۱) تحریف بالتقیصه (یا کم شدن از قرآن): برخی گمان برده‌اند که قرآن منزل بیش از اندازه‌ای بوده که هم اکنون موجود است که این کاهش یا به جهت سهو و اشتباه بوده و یا عمدی از آن کاسته شده است.

۲) تحریف بالزیاده (زیاد شدن کلام بشر به قرآن): در این مورد جز خوارج که معتقدند سوره یوسف در قرآن افزوده شده است همه افراد و فرق اسلامی قرآن را از این نوع تحریف مبری دانسته‌اند.

۳) تحریف بالترتیب: منظور از این تحریف آن است که آیات و سوره قرآن بر خلاف ترتیب نزول در مابین الدفین جمع‌آوری شده است. با توجه به این تقسیمات وقوع تحریف معنایی (تفسیر به رأی) و تحریف بالترتیب قطعی است و البته عدم وقوع تحریف بالزیاده نیز قطعی و مسلم است و تنها قسمی که محل نزاع و مورد اختلاف است (و ما هم در این مقاله بحث خواهیم کرد) تحریف بالتقیصه است.

دستاویز قائلان به تحریف

منشأ قول به تحریف روایات ضعیفی است که در بعضی کتب حدیث سنی و شیعه آمده است و متأسفانه مورد پذیرش و استناد ساده قلبانی چون محدث نوری (صاحب کتاب مستدرک الوسائل) قرار گرفته است تا آنجا که محدث نوری با استناد به همین روایات ضعیف و دلایل ضعیفتر کتابی با

عنوان فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب در اثبات تحریف کتاب خدا نگاشته است، اما فی الواقع چه آن روایات و چه اقوال کسانی چون حاجی نوری در فصل الخطاب دارای ضعفهای اساسی می باشند که در فصول بعدی بدان خواهیم پرداخت. (ان شاء الله)

قرآن پروژه معاصر، آیت الله معرفت در مورد این دسته از روایات گفته است:

«در این روایات (روایات مربوط به تحریف قرآن) با سندهای ضعیف و فاقد اعتبار دارند یا دلالتهای نارسا و قابل تأویل ... اینجانب با بررسی تمام این روایات، چه منقول از اهل سنت و چه منقول از شیعه چنین یافتیم که این قبیل روایات که مایه طعن شریعت است غالباً مجعول و به دست دشمنان دین ساخته و پرداخته شده است، یا آنکه قابل تأویل به وجوه دیگر است و ربطی به مسأله تحریف ندارند» (محمد هادی معرفت، تاریخ قرآن، ص ۱۶۹)

میرزای نوری و فصل الخطاب:

به این دلیل که نویسنده کتاب بیان حقیقت در موارد متعدد برای اثبات ادعای خود به اقوال محدث در کتاب فصل الخطاب استناد و اشاره نموده است، اینجانب برای روشن شدن اذهان خوانندگان مطالبی پیرامون حاجی نوری و کتاب او بیان می نمایم.

حسین بن محمد تقی ۱۲۵۴-۱۳۲۰ ش. معروف به محدث نوری صاحب مستدرک الوسایل از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و آیت الله میرزا حسن شیرازی است و از معروفترین شاگردان او یکی حاج شیخ عباس قمی و دیگری آقا بزرگ تهرانی صاحب کتاب الذریعه می باشند.

محدث نوری این کتاب را در پاسخ به سوال یکی از علمای هند که از او پرسیده بود چرا نام ائمه معصومین - صلوات الله علیهم - در قرآن نیست، نگاشته است. (صیانه القرآن، ص ۲۰۹). محدث در کتاب خود روایاتی را آورده و نقل کرده است که عموماً از کتب فاقد اعتبار نقل شده است. آیت الله معرفت در این زمینه می گوید از ۱۱۲۲ روایت که در کتاب فصل الخطاب آورده، ۸۱۵ روایت را از اینگونه کتابها نقل کرده است و آن کتابها عبارتند از:

۱- رساله ای در محکم و مشابه بودن قرآن که تا کتون روشن نشده نویسنده آن کیست. (نویسنده آن بین سعد بن عبدالله اشعری، محمد بن ابراهیم نعمانی، سید مرتضی و اشخاص دیگر اختلاف است. صیانه القرآن، ص

- ۲- کتاب السقیفه منسوب به سلیم بن قیس که مورد دستبرد قرار گرفته و از اعتبار ساقط گشته است.
- ۳- کتاب قرائات احمد بن محمد سیاری که فرد ضعیف الحال و غیر قابل اعتمادی شناخته شده است.
- ۴- تفسیر ابی الجارود که از غلاة و مورد لعن امام صادق قرار گرفته است.
- ۵- تفسیر علی بن ابراهیم قمی که تألیف او نیست. بلکه از دیگران است و مورد دستبرد قرار گرفته است.
- ۶- کتاب استغاثه علی بن احمد کوفی که از غلاة و فاسد المذهب معرفی شده است.
- ۷- کتاب احتجاج طبرسی که فاقد سند و مؤلف آن مجهول است.
- ۸- تفسیر منسوب به امام حسن عسگری (ع) که نسبت جعلی است و فاقد سند معتبر است.
- ۹- برخی از تفاسیر مقطوع السند که در نتیجه از حجیت و امکان استناد ساقط شده‌اند، مانند تفسیر عیاشی، تفسیر فرات بن ابراهیم و تفسیر ابوالعباس ماهیار.
- از ۳۰۷ روایت باقی مانده که از کتب معتبر نقل شده ۱۰۷ روایت آن مربوط به باب قرائات است که برخی از ائمه اطهار در قرائت به گونه دیگر قرائت کرده‌اند، روشن است که اختلاف قرائت با مسأله تحریف ارتباطی ندارد. ۲۰۰ روایت باقیمانده که مورد استناد اهل تحریف قرار گرفته است، غالباً بر مسأله تحریف دلالت ندارند و درباره مسائل دیگری است. (مبانه القرآن، ص ۲۲۲-۲۲۹). ان شاء الله در بخشهای بعدی بحثی پیرامون اینگونه روایات خواهیم داشت.
- به هر حال نگارش و انتشار فضل الخطاب در سراسر جهان اسلام بخصوص حوردهای علمیه نجف موج عظیمی از مخالفت و اعتراض علمای شیعه علمای شیعه و سنی را در پی داشته است. اولین و شاید مهمترین ردی که بر این کتاب نگارش یافته است، کتاب کشف الارتیاب فی عدم تحریف الکتاب نوشته شیخ محمود ابن ابی القاسم معروف به معرب طهرانی می‌باشد، این کتاب آنچنان از قوت براهین و محکمی استدلال برخوردار است که شیخ نوری را مجبور به بازگشت از آرای قبلی خود کرده است بگونه‌ای که شاگرد او آقا بزرگ تهرانی می‌گوید: استادم در اواخر عمر خود به من گفته است:

«من در نامگذاری کتابم، اشتباه نمودم و سزاوار بود نام آن را فصل الخطاب فی عدم تحریف الكتاب می گذاشتم، چرا که در آن ثابت کردم، قرآن شریف موجود بین دو جلد که در همه عالم منتشر شده است با تمامی سوره و آیات و جملاتش وحی الهی است که هیچگونه تغییر یا تبدیل و زیاده و نقصانی از هنگام جمع آن تا به امروز در آن واقع نشده است... من در مواضع متعددی از کتاب به خاطر جلوگیری از تیره‌های سرزنش و ملامت دیگران در تصریح به عقیده خودم اهمال نمودم، بلکه از روی غفلت بر خلاف عقیده خود سخن گفتم». (مستدرک الوعیل ۵/۱ و الذریعه ۲۳۱/۱۶-۲۳۲).

از آن به بعد تا کنون بیشتر کتبی که در رد تحریف قرآن نوشته شده‌اند به طور مستقیم یا غیرمستقیم کتاب محدث نوری را رد و طرد نموده‌اند، کتابهایی نظیر کشف الارتباب و حفظ الكتاب عن شبهه قول التحریف نوشته سید محمد حسین شهرستانی در گذشته و کتابهای صباه القرآن من التحریف آیت‌الله معرفت و اکذوبه تحریف القرآن از استاد رسول جعفریان در زمان معاصر نمونه‌هایی از این نوع کتابها هستند. کتبی هم که تماماً در مورد تحریف قرآن نبوده‌اند و به طور عموم مربوط به مباحث قرآنی می‌شدند نظیر کتب تفسیری فصل یا فصولی را به رد فصل الخطاب اختصاص داده‌اند که از این نوع کتب می‌توان از تفسیر آلاء الرحمن مرحوم بلاغی، میزان علامه طباطبایی و بیان آیت‌الله خویی نام برد.

ب بررسی روایاتی که ظاهراً دلالت بر تحریف قرآن دارند.

۱- همانطور که قبلاً هم از قول آیت‌الله معرفت عنوان شد جای تردید نیست که بعضی از این روایات ساختگی و جعلی می‌باشند مثل روایت زیر: در احتجاج از قول امیرالمؤمنین (ع) آمده که آن حضرت به بعضی از زنادقه در حدیقی گفته است اما در مورد انکار قول خداوند را که در آیه «و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء» (نساء: ۳) هیچ شباهتی بین عدل با یتیمان و ازدواج با زنان نیست بدان که منافقین از قرآن بین دو کلمه فی الیتامی و نکاح النساء خطبه‌ها و قصصهایی که بیش از یک سم قرآن بوده را انداخته‌اند. (صافی: ۱: ۳۸۸)

۲- پاره‌ای از اینگونه روایات بیانگر مصداق از مصادیق آیه می‌باشد، چنانچه در مورد آیه «ونزل من القرآن ما هوشفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظالمین الا خسار» (اسراء: ۸۲) روایتی از

امام باقر (ع) نقل شده که جبرئیل این آیه را به این صورت بر محمد (ص) نازل نموده است و لایزید الظالمی آل محمد حقهم الا خساراً. (همان ۲۱۳/۳)

۳- آیت‌الله حسن‌زاده آملی معتقد است بعضی از آن اخبار از بعضی تأویلات و معانی پشت پرده سخن می‌گویند چنانچه در فرموده خداوند «و اذا قيل لهم ماذا نزل ربكم قالوا اساطير الاولين» (نحل: ۲۴) که در روایتی از امام باقر (ع) وارد شده که آیه اینچنین بوده ماذا انزل ربكم نی علی (ع) قالوا اساطير الاولين» (قرآن هرگز تحریف نشده ص ۱۰۷-۱۰۹)

۴- روایات تفسیری: معمولاً ائمه طاهرین (ع) در خلال تلاوت آیه‌ای، برای توضیح، مختصر تفسیری می‌فرمودند که بعضی اشخاص این اضافات تفسیری را جزو قرآن فرض کرده و آن را تحریف فهمیده‌اند. مثلاً از امام علی (ع) روایتی نقل شده است که امام این آیه را اینگونه تلاوت فرمودند «و اذا تولی سعی فی الارض لیفسد فیها و یهلك الحرث و النسل» (بقره: ۲۰۵) و سپس افزودند «بظلمه سوء سریره» بدین معنی که سعی در فساد و در زمین بر اثر ظلم و سوء نیت اوست. (شماره‌های ۷ تا ۱۴ از صیانه‌القرآن ص ۲۴۰-۲۸۶)

۵- روایاتی که در آنها لفظ تحریف بکار رفته: مقصود از این نوع روایات، تحریف معنایی و به قول دیگر تفسیر به رأی می‌باشد که باز مانند روایت قبلی عده‌ای گمان نموده‌اند که همان تحریف لفظی منظور معصوم (ع) بوده است. از رسول اکرم (ص) روایت شده که فرمودند: «جی یوم‌القیامه ثلاثه بشکون: المصحف و المسجد و العتره. یقول المصحف یا رب حرفونی و مزقونی و یقول المسجد یا رب عطلونی و ضیعونی و تقول العتره یا رب قتلونا و طردونا» که واضح است منظور از تحریف در اینجا تحریف معنوی قرآن می‌باشد.

۶- روایات مربوط به ظهور حضرت حجت و آوردن قرآن جدید بر خلاف قرآن موجود: این روایات نیز صرفاً اختلاف در قرآن حضرت را با قرآنها‌ی موجود در ترتیب و اضافات تفسیری دانسته است. در روایت شیخ مفید آمده است: «عن الباقر (ع) قال اذا قام قائم آل محمد (ص) ضرب فساطیط لمن یعلم الناس القرآن علی ما انزل الله فأصعب ما یکون علی من حفظه الیوم لانه یخالف فیه التألیف» که جمله آخر به معنی این است که ترتیب قرآن حضرت بر خلاف ترتیب مصحفهای موجود است.

۷- روایاتی که در رابطه با شأن اهل بیت وارد شده است: بدین معنا که اگر در قرآن دقت کافی مبذول شود فضایل و کمالات اهل بیت روشت و آشکار است.

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمودند: من لم يعرف امرنا من القرآن لم يتكسب الفتنه. (هر کس امر ولایت را از قرآن به دست نیاورد نمی تواند از فتنهها در امان باشد.) اهل تحریف معتقدند، مقصود آن است که شئون ولایت بصراحت در قرآن بوده و اسقاط شده است در حالی که مقصود امام (ع) چنین نیست. بلکه تدبیر و تعمق در همین قرآن موجود موجب روشن شدن شئون ولایت می شود مثل آیات اولی الامر، ذوی القربی و ...

دلایل عدم تحریف قرآن

۱- ضمانت الهی

یکی از روشنترین دلایل و شاید مهمترین دلیل بر تحریف ناپذیری کتاب خدا، ضمانت صاحب قرآن یعنی پروردگار تبار و تعالی است. خداوند در قرآن می فرماید: «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون» (حجر: ۹) با توجه به تأکیدهایی که در این آیه شده است به اهمیت و قطعیت وعده خداوند می توان پی برد. نکاتی چون ۱. اسمیه بودن آیه؛ ۲. وجود چهار ضمیر در این آیه که همگی به خداوند بر می گردد؛ ۳- تکرار شدن آن تأکید ثقلیه؛ ۴. وجود لام تأکید بر سر کلمه لحافظون؛ ۵. اسمیه بودن خبر هر دو آن ۶. تقدیم مجرور بر متعلق خود نشان از حتمیت حفاظت قرآن توسط خداوند دارند. پروردگار در آیاتی دیگر به طور صریحتر به وعده خود اشاره دارد: «و انه لکتاب عزیز لایاتیه باطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید» (فصلت: ۴۲) یعنی قرآن از گزند حوادث مصون است و هرگز چیزی از آن ضایع نمی شود و آفتی به آن نمی رسد. البته آیات دیگری نیز بر تحریف ناپذیری قرآن دلالت دارند که به علت اختصار از آوردن آنها خودداری می کنیم. (برای آگاهی از دیگر آیات مربوط به عدم تحریف قرآن به صیانه القرآن ص ۴۳-۵۰ مراجعه کنید)

۲- روایات شیعه

روایات بسیاری از معصومین (ع) که همه یا به طور مستقیم یا غیر مستقیم دلالت بر تحریف ناپذیری این کتاب مقدس دارند.

الف) حدیث ثقلین: این حدیث از جمله احادیثی است که هر دو فرقه شیعه و سنی آن را قبول کرده‌اند و مضمون آن چنین است که من (پیامبر) دو یادگار گرانبها بر شما (است) به امانت می‌گذارم، یکی کتاب خدا قرآن و دیگری عنترتم، مادام که به آن دو تمسک شوید هرگز گمراه نمی‌شوید. حال ممکن است این سوال در ذهن کنجکاوی هر انسانی نقش ببندد که اگر قرآن دستخوش تحریف و دگرگونی قرار گرفته چگونه می‌تواند راهنما و هادی انسانها باشد و چگونه انسان می‌تواند بدان تمسک جوید؛ بنابراین از بیان حضرت رسول اکرم (ص) به خوبی آشکار می‌شود که قرآن به هیچ وجه تحریف نخواهد شد و همیشه چراغ هدایت بشر خواهد بود.

ب) حدیث عرضه احادیث به قرآن: از ائمه روایات صحیحی به ما رسیده است که در مواقع تعارض احادیث، آنها را با قرآن مطابقت نماییم، اگر با قرآن مطابق بود، گرفته و اگر مخالف کتاب خدا بود به دور افکنیم. اما اگر ادعای تحریف صحت داشت، دیگر این دستور ائمه مبنی بر عرضه احادیث به قرآن معقول نمی‌بود. پس مشخص می‌شود به هیچ عنوان قرآن تحریف نشده که ائمه معصومین چنین امر فرموده‌اند.

ج) حدیث غدیر: این حدیث نیز چون حدیث ثقلین متواتر است و از شیعه و سنی نقل شده است. این حدیث نیز نشان از عدم تحریف قرآن دارد. زیرا اگر ادعای بعضی قائلان به تحریف مبنی بر حذف نام امیرالمؤمنین و ولایت او از قرآن درست می‌بود اعلام ولایت حضرت علی توسط پیامبر در روز غدیر و با آن ویژگیهای منحصر به فرد لازم و منطقی نبود.

د) احادیث وارده از ائمه (ع) در باب اینکه آنچه در دست مردم است همان قرآن نازل شده از سوی خداوند است؛

۱- جاء فی رساله الامام ابی جعفر الباقر (ع) الی سعد الخیر و کان من یندهم الکتاب أن اقاموا حروفه و حرفوا حدوده این روایت تصریح می‌کند که در نص کتاب عزیز تحریفی واقع نشده است در اقاموا حروفه هر چند که احکام قرآن را تغییر دادند (تحریف معنوی قرآن).

۲- صحیح عن ابی بصیر قال سألت الامام الصادق (ع) عن قوله تعالی و اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم (نساء: ۵۹) و ما یقوله الناس: ما باله لم یسم علیاً و اهل بینه؟ قال ان رسول الله (ص) نزلت علیه الصلاه و لم یسم لهم ثلاثاً و لا اربعاً حتی کان رسول الله هو الذی فسر لهم ذلك... (برای مطالعه به احادیث به صیانه القرآن ص ۵۲-۵۷) این روایت نیز تأکید می‌کند نام اهل بیت در

قرآن نبوده و نیست. پس تحریفی در قرآن نشده و آنچه در دست مردم است همان قرآن نازل شده بر رسول خداست.

ه) روایاتی از ائمه ما رسیده است که در حوادث و فتنه‌های روزگار ما را به قرآن ارجاع داد، علی بن ابراهیم عن ابيه عن النوافلي عن السكوني عن ابي عبد الله عن آبانه (ع) قال، قال رسول الله (ص) ... فاذا التبست عليكم الفتن كقطع الليل المظلم فعليكم بالقرآن ... (اصول کافی باب فضل القرآن ۳۹/۴) این دسته از روایات نیز قرآن را به عنوان مأمن و پناهگاه معرفی نموده‌اند. آیا معقول است قرآن برای دیگران مصونیت ایجاد کند در حالیکه خود از گزند حوادث مصون نباشد.

۳- قرآن در پیشگاه و نظر امیرالمؤمنین

حضرت علی (ع) قرآن را برای مردم دوران خود اینگونه ترسیم می‌کند و معرفی می‌نماید: وواعلموا ان هذا القرآن هو الناصح الذي لا يفتش و الهادي الذي لا يضل و المحدث الذي لا يكذب و ما جالس هذا القرآن احد الا قام عنه بزيادة او نقصان زباده زیاد، فی هدی او نقصان فی عمی . و بدانید که این قرآن پندگویی است که فریب ندهد و راهنمایی است که گمراه نکند و حدیث خوانی است که دروغ نگوید و کسی با قرآن نشست جز آنکه چون برخواست افزون شد یا از وی کاست: افزونی در رستگاری و کاهش در کوری- و دل بیماری ... (نهج البلاغه خ ۱۷۶ ص ۱۸۲ ترجمه دکتر شهیدی) «فكونا من حرثه و اتباعه و استدلوه علی ربکم» پس در شمار گردآوردندگان قرآن باشید و پیروان آن و قرآن را دلیل گیرید بر شناخت پروردگارتان. والله الله فی القرآن لا یسبقکم بالعمل به غیرکم. خدا را خدا را درباره قرآن مبدا دیگری بر شما پیش گیرد در رفتار به حکم آن. (نهج البلاغه، نامه ۴۷ ص ۳۲۱)

ثم انزل علیه الكتاب نورا لانطفاء مصابیحه و سراجا لا یخبوتوقده و بحرأ لا یدرک قعره و مناهاجا لا یضل نهجه. پس فرمود فرستاد بر او قرآن را، نوری که چراغهای آن فرو نمیرد، و چراغی که افروختگی‌اش کاهش نپذیرد، و دریایی که زرفای آن کس نداند و راهی که پیمودنش رهرو را به گمراهی نکشاند... (نهج البلاغه ۱۹۸ ص ۲۳۴) از سخنان پیشوای متقیان و امیرمومنان به خوبی روشن می‌گردد که قرآن کتابی است که هیچگونه دگرگونی که باعث خاموشی چراغ هدایت آن شود در آن راه ندارد.

۴- نماز شیعه

یکی از دلایل عدم تحریف قرآن نماز شیعیان است. زیرا ائمه معصومین (ع) و فقهای امامیه قرائت سوره کاملی را بعد از حمد در رکعت اول و دوم هر نماز از نمازهای پنجگانه روزانه، واجب می‌دانند و این حاکی از اعتقاد امامیه به نیفتادن چیزی از قرآن است. قائلان به تحریف نمی‌توانند قرائت سوره‌ای را که محتمل تحریف است جایز و مجزی بدانند زیرا اشتغال یقینی، برائت یقینی می‌خواهد پس این ترخیص از سوی ائمه خود فی‌نفسه دلیل عدم وقوع تحریف در قرآن است و گرنه مستلزم ضایع شدن نماز واجب هر مکلف می‌شد. (ترجمه البیان ۲۳۶/۱)

۵- اعجاز قرآن

اجماع مسلمین اعتقاد بر معجزه بودن قرآن دارد و تنها معجزه جاودان حضرت رسول را نیز قرآن کریم می‌داند. در میان ابعاد گوناگون اعجاز قرآن نظیر پیش‌گویی (خبر از آینده) و یا وجود هماهنگی خاص در بین بعضی کلمات می‌باشد، (مثلاً کلمه یوم به معنی روز که ۳۶۵ بار در قرآن آمده و یا لفظ شهر به معنی ماه که ۱۲ بار در قرآن تکرار شده است و ...) فصاحت در بلاغت قرآن مجید از مهمترین ابعاد اعجاز قرآن می‌باشد و خداوند با توجه به همین بعد از اعجاز قرآن بارها تحدی نموده است: «قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی ان یأتوا بمثل هذا القرآن لیاتوا بمثله» (اسراء: ۸۸) و یا «ام یقولون افترئه قل فاتوا بعشر سوره مثله مفتريات...» (هود: ۱۳) و یا «و ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی بعدنا فاتوا بسوره من مثله...» (بقره: ۲۳) «ام یقولون افتراه قل فاتوا بسوره مثله» (یونس: ۳۸) با توجه به اینکه این تحدی خداوند تا اکنون پاسخی نداشته و کسی نتوانسته قرآن و حتی سوره‌ای مانند آن بیاورد. (و صد البته تا قیامت نیز کسی نخواهد توانست) پس در نتیجه اعجاز قرآن منحصر به زمان خاصی (مثلاً قرن اول هجری) نمی‌شود می‌توان به روشنی نتیجه گرفت چون اولاً اعجاز یا تحریف متناقض است و منافات دارد یعنی امکان ندارد قرآن هم معجزه باشد و هم دستخوش تحریف قرار گرفته باشد و ثانیاً چرن اعجازی ابدی است پس تحریف قرآن متنتی است و ابداً در قرآن تحریفی واقع نشده و نخواهد شد.

۶- گواهی تاریخ

قرآن از زمان نزول آیات اولیه مورد توجه و عنایت ویژه مسلمین قرار داشت و مسلمین

همواره در نگهداری آن می‌کوشیدند و از آن عصر تا کنون، زمانی نبوده که مسلمین از آن غافل شوند تا آنجا که حفظ و قرائت قرآن برای مسلمین اهمیت زیادی پیدا نموده و قاریان دارای جایگاه خاصی در بین مسلمین بودند.

همچنین در زمان حیات رسول اکرم قرآن بر روی تکه چوبها و سنگهای صاف و استخوانهای پهن شتر ... به صورت مکتوب درآمده بود (هر چند بین الدننین مدون نبود) و وجود مصحفهای صحابه‌ای چون علی بن ابی طالب (ع) و ابن مسعود ابی بن کعب در آن زمان گواه این ادعاست در نتیجه توجه و اهتمام مسلمین به نگهداری قرآن و مکتوب بودن قرآن در عصر رسول اکرم (ص) عملاً جلوی هر گونه تحریف گرفته شده است. علاوه بر همه این مسایل، سکوت ائمه بخصوص علی بن ابی طالب در زمان خلافت بهترین گواه بر عدم تحریف قرآن می‌باشد زیرا منطقی به نظر نمی‌رسد ائمه ما شاهد تحریف علوم الهی باشند و سکوت اختیار نمایند.

۷- دلیل عقلی

خداوند پیامبر اکرم را مأمور هدایت و راهنمایی بشر کرده است و قرآن کریم را به عنوان قانون اساسی اسلام و کتابی که بازگو کننده اصول کلی احکام دینی است بر رسول خود نازل نمود. حال این معقول نیست که خداوند کتابی را که هدی لئاس و نذیرا للعالمین است در اختیار بشر قرار دهد و آنها نیز هرگونه که بخواهند در آن دخل و تصرف کنند، این تصور نقض غرض الهی است و با حکمت او مغایرت دارد.

۸- تواتر قرآن

یکی دیگر از دلایل عدم تحریف، تواتر بودن قرآن است و این از اعتقادات مسلمین و ضروریات دین است که همه سور و آیات و اجزای قرآن از زمان رسول اکرم تا کنون در تمام طبقات مسلمین به صورت تواتر قرائت و نقل شده است و حال آنکه اکثر روایات مربوط به تحریف همانگونه که گذشت مجعول و روایات صحیح هم خبر واحد هستند که در مقابل تواتر قرآن کنار گذاشته می‌شوند. دلایل دیگری نظیر:

۹- شیوه‌های اختصاصی و انحصاری قرآن در ایجاد مصونیت

۱۰- استناد امامان معصوم به آیات قرآنی و ... وجود دارد که از توضیح بیشتر درباره آنها خودداری می‌کنیم.

نظر علمای بزرگ شیعه بر تحریف ناپذیری قرآن کریم

۱) ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بابویه قمی، معروف به صدوق (م ۲۸۱ م) می‌فرماید: اعتقاد ما درباره قرآن این است که آن سخن خدا و وحی است و کتابی است که باطل و نادرستی در آن راه ندارد و از جانب پروردگار حکمی و دانا نازل گردیده است و او فرو فرستنده و نگهبان آن می‌باشد. صدوق در جای دیگری از کتاب اعتقادات می‌فرماید: اعتقاد ما شیعیان بر این است که قرآن را که خداوند تعالی بر پیغمبر خود محمد (ص) فرو فرستاده همان است که میان دو جلد قرار دارد و در دسترس مردم هست و بیشتر از آن نبوده و اندازه سوره‌هایش نزد مردم ۱۱۴ تا می‌باشد و هر که به ما نسبت داده است که ما (شیعیان) می‌گوییم قرآن بیشتر از آن بوده، او دروغ و خلاف واقع گفته است؛ (ترجمه اعتقادات صدوق، ص ۱۰۶)

۲) محمد بن محمد بن نعمان، معروف به شیخ مفید (م ۴۱۳ هـ) در کتاب خود می‌گوید: برخی از اهل امامت بر این باورند که از قرآن هرگز چیزی کم نشده است، نه کلمه و نه آیه و نه سوره‌ای؛ به جز آنچه در مصحف علی (ع) بوده و عنوان شرح و تفسیر را داشته است؛

آنگاه گوید: این قول نزد من به حقیقت نزدیکتر است از قول کسانی که گفته‌اند برخی کلمات از قرآن افتاده و رأی من همان است و اما زیادت در مصحف، هرگز نبوده و نیست و این مطلب علماست زیرا اگر افزوده شدن سوره‌ای مورد نظر باشد با مسئله اعجاز منافات دارد و اگر افزوده شدن کلمه یا کلماتی مقصود باشد آن نیز به دلیل عدم رجحان مردود است. پس قرآن از هر گونه زیادتی در سلامت است. علاوه بر استدلال مذکور در این زمینه از امام صادق (ع) روایتی در دست می‌باشد. (میان القرآن، ص ۶۰-۶۱ به نقل از اوائل المقالات ص ۵۴-۵۶)

۳) سید مرتضی علی بن حسین موسوی علوی، معروف به علم‌الهدی (م ۴۳۶ هـ) می‌فرماید: گروهی از صحابه پیامبر، مانند عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب و غیر آنها، بارها همه قرآن را از اول تا به آخر، بر پیامبر گرامی خواندند و همه اینها به خوبی بر این حقیقت گواهی می‌دهند که قرآن گردآوری شده و مرتب و بدون کاستی و پراکندگی بوده است... به همان درجه که ما به

اصل قرآن یقین داریم، صحت اجزا و آیات آن نیز برای ما یقین است، همچنین سید مرتضی معتقد است «علم به صحت نقل قرآن مانند علم به وجود شهرهای بزرگ و حوادث تاریخی معروف و کتابهای مشهور جهان و اشعار شعرای عرب است زیرا عنایت به قرآن پیوسته بیش از امور یاد شده بوده است» (ترجمه مجمع البیان ۲۷/۱ به نقل از جواب المسائل الطرابلسیات (در مقدمه تفسیر)

۴) علی بن طاووس حلی معروف به سید بن طاووس (م ۶۶۴ هـ) می‌فرماید: «در نظر شیعه آن است که دگرگونی در قرآن راه ندارد» (شیعه پاسخ می‌دهد ص ۷۹ به نقل از سمد السمره، ص ۱۴۴)

۵) ابوجعفر محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ الطائفه (م ۴۶۰ هـ) می‌فرماید: «اما سخن در فزونی یا کاستی قرآن، از مطالبی است که در خور این کتاب نمی‌باشد؛ زیرا همه مسلمانان بر عدم فزونی قرآن اتفاق نظر دارند و در مورد کاستی آن هم، ظاهر مذهب مسلمانان بر خلاف آن است و این گفتار (عدم زیادتی در قرآن) به مذهب ما سزاوارتر است این سخن را سید مرتضی پذیرفته و تایید نموده است و ظاهر روایات نیز همین حقیقت را به ثبوت می‌رساند. اندکی از مردم، به روایاتی در مورد نقصان آیات و یا جابجایی آنها اشاره کرده‌اند که از طریق شیعه و اهل سنت رسیده است ولی این روایات، از قبیل خبرهای واحدی هستند که موجب علم و یا عمل بر طبق آن نمی‌شوند و بهتر آن است که از آنها اعراض شود» (البیان ۲/۱ (مقدمه مؤلف)

۶- ابوعلی طبرسی، صاحب تفسیر مجمع البیان می‌فرماید: «در مورد فزونی قرآن، همه امت اسلامی بر بی‌بایگی آن اتفاق نظر دارند و اما در مورد کاستی آیات آن، اندکی از اصحاب ما و گروهی از فرقه حشویه از اهل سنت روایاتی آورده‌اند، ولی آنچه از مذهب ما پذیرفته شده و صحیح است بر خلاف آن می‌باشد.»

۷- علامه حلی (م ۷۲۶ هـ) در جواب سید مهنا می‌گوید: «حق آن است که هرگز تبدیل، تأخیر و تقدیم در قرآن رخ نداده است، همچنین زیادت و نقصی بر آن وارد نشده است پناه می‌برم به خدا از اینکه کسی چنین چیزی را باور داشته باشد؛ زیرا موجب طعن در معجزه جاوید اسلام می‌شود و اساس نبوت را متزلزل می‌کند. (صیانه القرآن، ص ۶۲-۶۴ به نقل از اجوبه المسائل المهنایه، ص ۱۲۱ مسأله ۴۴)

و یا در جایی دیگر در تفسیر آیه «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون» می‌فرماید: «یعنی ما قرآن را از هر دگرگونی و تغییر و فزونی محافظت و پاسداری می‌نماییم» (انهار الحق ۱/۲)

۸- فیض کاشانی صاحب کتاب الوافی (م ۱۹۰۱ هـ) پس از آنکه دلالت آیاتی از قبیل «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون» را بر عدم دگرگونی قرآن ذکر می‌کند، می‌فرماید: «در این هنگام چگونه ممکن است تحریف و دگرگونی در قرآن راه یابد علاوه بر اینکه روایات تحریف، مخالف کتاب خداست؟ پس باید این روایات را بی‌پایه دانست» (ترجمه صافی ۱۰۸/۱)

۹- محمد بن حسین معروف به «بهاء‌الدین عاملی» (م ۱۰۳۰ هـ) می‌فرماید: صحیح آن است که قرآن عظیم، از هر گونه فزونی و کاستی مصون است و اینکه گفته می‌شود «نام امیرالمؤمنین» از قرآن حذف شده است، نزد دانشمندان پذیرفته نیست و هر کس که در تاریخ و روایات کاوش کند می‌داند که قرآن به دلیل تواتر روایات و نقل هزاران تن از صحابه ثابت و استوار است و همه آن در زمان پیامبر گرامی گردآوری شده است. (صیانه القرآن، ص ۶۷ و شیهه پاسخ می‌دهد ص ۸۰ هر دو به نقل از تفسیر آیة الرحمن، ص ۲۶-۲۵)

۱۰- قاضی سید نورالله نستری صاحب کتاب مصائب النواصب (م ۱۰۱۹ هـ) می‌فرماید: آنچه برخی به شیعه امامیه نسبت داده‌اند که آنان به دگرگونی قرآن قائل هستند مورد پذیرش همه شیعیان نیست. تنها اندکی از آنان چنین عقیده‌ای دارند که در میان شیعیان به آنان اعتنا نمی‌شود (آلاء الرحمن ص ۲۵)

۱۱- شیخ بهایی (م ۱۰۳۱ هـ) می‌گوید: «در زیادی و نقص در قرآن بین بعضی علمای فرق» اختلاف است و قول صحیح آن است که قرآن عظیم از نظر زیادی و نقصان محفوظ است و قول خداوند که می‌فرماید (و انا له لحافظون) موید مطلب است. (همان، ص ۲۶) و یا در جایی دیگر می‌گوید «قرآن متواتر است زیرا انگیزه بر نقلش فراوان بوده» (قرآن هرگز تحریف نشده ص ۱۱۴ به نقل از الزبد)

۱۲- آیت‌الله می‌فرماید «رای بزرگان محققین و عقیده علمای فریقین و نوع مسلمین از صدر اسلام تا کنون بر آن است که ترتیب آیات و سور و جمع قرآن به نحوی است که فعلاً در دست می‌باشد بزرگان قال به تحریف نبوده و نیستند» (قرآن پژوهی ص ۱۲۰)

۱۳- آیت‌الله حکیم میلانی معتقد است: «در قرآن هیچگونه تحریف نه به زیاد و نه به نقیصه الفاظ واقع نشده و اگر در بعضی روایات از تحریف نامی برده شده، منظور تغییر معنی به آرا و توجیهات و تأویلات باطله می‌باشد، نه تغییر الفاظ و عبارات و آنچه دیده یا شنیده می‌شود از روایاتی در اسقاط آیات و سور از این معجزه خالده خاتمه، همانا مجعول و ضعیف است» (قرآن پژوهی ص ۱۲۱)

۱۴- شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴هـ) می‌فرماید: «انسان کاوشگر در تاریخ و اخبار، بدرستی می‌داند که قرآن به دلیل تواتر و روایات و نقل هزاران تن از صحابه ثابت و استوار است و در زمان پیامبر گردآوری شده و منظم بوده است.» (شبهه پاسخ می‌دهد ص ۸۱ به نقل از آلاء الرحمن ص ۲۵ و صیانه القرآن ص ۶۹ و ۶۸ به نقل از اظهارالحق ۲۰۸/۲)

۱۵- شیخ جعفر کاشف الغطاء در کشف الغطاء خود می‌گوید: «شکی نیست که قرآن، در پرتو حفظ و صیانت الهی، از هر کمبودی (دگرگونی) محفوظ مانده است، چنانکه صریح قرآن و اتفاق نظر دانشمندان در همه عصرها بر آن گواهی می‌دهد و مخالف گروه اندکی، قابل اعتنا نمی‌باشد.» (صیانه القرآن ص ۶۶ به نقل از کتاب اصل الشیعه و اصولها ص ۱۳۳ و شبهه پاسخ می‌دهد ص ۱۱ به نقل از کشف الغطاء)

۱۶- آیت‌الله خویی در مقدمه تفسیر خود می‌گوید: «داستان تحریف قرآن یک داستان واهی، بی اساس و سخن خرافی است و شخص عاقل یک چنین داستانی را قبول و باور نمی‌کند.» (قرآن پژوهشی ص ۱۲۲)

۱۷- علامه طباطبایی در تفسیر المیزان پس از بررسی روایات مربوط به تحریف قرآن می‌نویسد: «این روایات مخالف صریح قرآن است، پس وجه صحیح این است که روایات مربوط به تحریف قرآن را با هم جمع نموده و به دور افکنیم.» (المیزان ۱۰۶/۱۲-۱۳۸)

۱۸- رهبر فقید انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «هر کس که به عنایت مسلمین در جمع آوری، حفظ و نگهداری و تلاوت و نوشتن قرآن واقف باشد، بر نادرستی پندار تحریف قرآن گواهی می‌دهد.»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در این بخش به نظر همین تعداد از علمای بزرگ شیعه قناعت می‌شود و نتیجه‌ای که می‌توان از این بخش مقاله گرفت این است که مسأله تحریف قرآن در نظر مشهور علمای امامیه رد شده و نسبتی که به شیعه زده می‌شود نادرست و چه بسا مغرضانه می‌باشد.

چند روایت از اهل سنت در مورد تحریف شدن قرآن

با این بیانات، بی‌پایگی نسبت ناروایی که به شیعیان داده‌اند، آشکار و روشن می‌گردد و اگر تنها وجود روایات ضعیف باعث این اتهام شده است، پس باید به برادران اهل سنت گوشزد کنیم این دست از روایات مختص فرقه اناک از شیعه نیست و بزرگان و محدثین و مفسرین خودشان نیز اینگونه روایات را نقل نموده‌اند، و ما برای روشن شدن مطلب به چند روایت اشاره می‌کنیم.

۱- آیه رجم: در قرآن، حکم رجم نیامده است ولی دویار به جلد زانی و زانیه اشاره شده است (سوره نور آیات ۲ و ۴) ولی عمر بن خطاب گمان می‌کرد که عبارت «الشیخه والشیخه اذا زنیا فارجموها البتة نکالاً من الله عزیز حکیم» جزو قرآن بوده و در جمع آوری قرآن آن را حذف نموده‌اند و از قرآن انداخته‌اند (صحیح مسلم ۱۱۶/۵ کتاب الحدود قال عمر بن الخطاب و هو جالس علی منبر رسول الله (ص) ان الله قد بعث محمد (ص) بالحق و انزل علیه الکتاب فکان مما انزل علیه آیه الرجم قرانها و عینها فرجم رسول الله و رجنا بعده فاخشی ان طال بالناس زمان ان يقول قائل ما نجد الرجم فی کتاب الله و همچنین مسند احمد ۱/۲۹۹ و احادیث شماره ۲۷۶-۳۰۲-۳۳۱-۳۹۱ مسند احمد و اتقان ۳/۸۲)

۲- صاحب الاتقان ملاجلال‌الدین سیوطی نقل می‌کند عدد سوره مصحف ابی بن کعب ۱۱۶ سوره بوده است و دو سوره حذف و خلع در آن وجود داشته است. (اتقان ۱/۲۶۶ فی مصحف ابی بن کعب و مائه) لانه کتب فی آخر سورتی الحذف و الخلع)

۳- در تفسیر قرطبی آمده که ابوبکر انبازی از ابی بن کعب روایت کرده سوره احزاب (با ۷۳ آیه) در زمان رسول خدا به اندازه سوره بقره (با ۲۸۶ آیه) بوده و آیه رجم نیز در این سوره قرار داشته. (تفسیر قرطبی ۱۱۳/۱۴ در ابتدای تفسیر سوره احزاب) در همین کتاب از قول عایشه آمده است سوره احزاب در زمان پیامبر ۲۰۰ آیه داشته پس چون مصحف نوشته شد به بیش از آنچه که الان موجود است دست نیافتند. (همان ۱۱۳/۱۴ حدثنا احمد بن الهیثم ... عن عایشه قالت کانت سوره الاحزاب تعسی علی عهد رسول الله (ص) متنی آیه فلما کتب المصحف لم یقدر منها الا علی ما هی الان و نیز الاتقان ۳/۸۲)

۴- جلال‌الدین سیوطی در تفسیر در المنثور از عمر بن خطاب روایت می‌کند که سوره احزاب به اندازه سوره بقره بوده و در آن نیز آیه رجم وجود داشته است. (در المنثور ۱۸۰۵ در ابتدای تفسیر سوره احزاب، و اخراج ابن مردوده عن حذیفه قال قال لی عمر بن الخطاب کم تعدون سوره الاحزاب قلت اثنين او ثلاثا و سبعین قال ان كانت لتقارب سوره البقره و ان کنا فیها الایه الرجم)

۵- آیه رغبت: عمر بن الخطاب گمان داشت که در قرآن آیه‌ای دین وجود داشته و ساقط شده است آیه این بود ان لا ترغبوا عن آبانکم فانه کفر بکم ان ترغبوا عن آبانکم. (مسند احمد ۲۹۹/۱ حدیث ۳۳۱ حدیثنا عبدالرزاق ... ثم قال قد کنا نقرا و لا ترغبون عن آبانکم فانه کفر بکم ، او ان کفرا ان ترغبوا عن آبانکم

۶- آیه جهاد: عمر همچنین گمان می‌برد که عبارت زیرین آیه قرآنی بوده و از قرآن ساقط شده است ان جاهدوا کما جاهدتم اول مره. (و اخراج ابو عید ... فی المسور ابن مخرمه قال قال عمر لعبد الرحمن عوف الم تجد فیها انزل علینا ان جاهدوا کما جاهدتم اول مره فانا لا نجدھا قال أسقطت فیما اسقط من القرآن در المنثور ۱۰۶/۱)

۷- آیه فراش: طریق گمان عمر عبارت الولد الفراش و للماهر الحجر از آیات قرآنی بوده و حال آنکه این عبارت از احادیث مشهور پیامبر می‌باشد. (در المنثور ۱۰۶/۱ ان عمر بن الخطاب قال لابی اویس کنا نقرا فیما نقرا من کتاب الله ان انشاء کم من آبانکم کفر بکم فقال بلی ثم قال الیس کنا نقرا الولد للفراش و للماهر الحجر فیما فقدنا من کتاب الله فقال ابی بلی)

۸- در اتفاق آمده که مالک بن انس می‌گفت سوره برائت به اندازه سوره بقره بود و مقدار زیادی از آن افتاده است و از آیات افتاده بسم‌الله الرحمن الرحیم در ابتدای سوره بوده است. (اتقان ۱/ ۲۶۶ و عن المالک ان اولها (سوره البرائت) لما سقط معه البسمه: فقد ثبت أنها کان تعدل البقره لطولها.)

۹- عبدالله بن عمر گمان می‌کرد که بسیاری از آیه‌های قرآن از بین رفته است او می‌گفت: کسی نگوید که تمامی قرآن را فراگرفتم از کجا می‌داند تمامی قرآن کدام است؟ در صورتی که بسیاری از قرآن از میان رفته‌است بلکه باید بگوید آنچه هست فرا گرفته. (اتقان ۸۱/۳-۸۲)

۱۰- عدد حروف قرآن: عمر را گمان بر آن بود که حروف قرآن یک میلیون ۱۰۰۰۰۰۰ می‌باشد در صورتی که بیش از ۳۲۳۶۷۱ حرف نیست. از وی روایت شده قرآن دارای هزار هزار حرف هست هر که قرآن را برای خدا و با صبر و حوصله بخواند در مقابل هر حرف یک زوجه از

حورالعین به او می دهند. (انفان ۲۴۱۱ و آخر الطیوانی من عمر بن الخطاب مرفوعاً القرآن ألف حرف، فمن قرأه صابراً محتسباً كان له بكل حرف زوجة من الحور العین)

۱۱- عایشه گمان می کرد در قرآن آیه ای بوده است که مقدار شیر خوراکی را که موجب

حرمت می شود تعیین می کند. (صحیح المسلم؛ ۱۶۷/۴)

۱۲- در مصحفی که عایشه برای خود انتخاب کرده بود زیادتیی بود که در دیگر مصحفها

وجود نداشت و آن عبارت بود از «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیماً و علی الذین یصلون الصفوف الاولی؛ البته سیوطی در ادامه حدیث از قول حمیده بنت ابی یونس خدمتگزار عایشه می گوید این عبارت تا زمانی بود که عثمان مصحفها را تغییر نداده بود.

(انفان ۸۲/۳)

۱۳- سیوطی در روایتی از عایشه آورده که سوره احزاب در زمان پیغمبر (ص) دویست آیه

خوانده می شد پس هنگامی که عثمان مصحفها را نوشت جز آنچه اکنون موجود است از آن به دست نیامد. (انفان ۸۲/۳) البته روایات مربوط به تحریف قرآن در کتب حدیثی و تفسیری سنت، به همین چند روایت خاتمه نمی یابد ولی جهت اختصار به همین مقدار اکتفا می شود.

دیدگاه بعضی علمای عامه بر نزاهت شیعه

در قسمت پایانی مقاله شهادت چند تن از علمای متقدم و معاصر اهل سنت را در مورد میرا

بودن شیعه از قول به تحریف یاد آور می شویم:

ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری (م ۳۲۴) بنیانگذار مکتب الشعری در این مورد می گوید:

مراضیان در باب فزونی و کاستی قرآن آرای مختلف دارند و بر سه گروهند. ۱- نخستین گروه قرآن را ناقص می دانند و نیز افزودن بر آن را ناروا می پندارند هر چند قرآن کاستی دارد با این همه دگرگونی در آن روا نیست، تنها دانش امام است که بر این کاستی آگاه است. (ترجمه مقالات الاسلامیین، ص ۳۰) در متن همینطور آمده است ۲- گروه سوم معتزله و امامیه اند (۱۲ امامی) که کاستی و فزونی قرآن را باور ندارند. هر آنچه بر پیامبر (ص) نازل شده به تمامی در اختیار ماست تغییر و تبدیل را در آن راهی نیست و تا ابد چنین خواهد بود.

علامه شیخ رحمت الله هندی دهلوی در کتاب نفیس خود اظهار الحق بعد از آنکه نظر بعضی بزرگان شیعه را مبنی بر تحریف ناپذیری قرآن ذکر می کند، خود به تفصیل در برائت شیعه از قول به تحریف سخن گفته است. (اظهار الحق، ۱۹/۲)

همچنین استادان معاصر چون محمد عبدالله دراز در کتاب مدخل الی القرآن الکریم و یا محمد مدنی رئیس دانشکده الهیات الازهر به تفصیل از شیعه دفاع نموده اند. (صیانه القرآن ص ۸۸-۸۳) و بطور کلی این نسبت را به شیعه ناروا دانسته اند.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- البلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن
- ۴- تهرانی، شیخ آقابزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه
- ۵- حسن زاده آملی، علامه حسن، قرآن هرگز تحریف نشده است
- ۶- الحنبلی، الامام احمد، المسند
- ۷- خرمشاهی، بهاء الدین، قرآن پژوهی
- ۸- الخوی، آیت الله سید ابوالقاسم، البیان
- ۹- دهلوی، علامه رحمت الله، اظهار الحق
- ۱۰- السبوطی، جلال الدین، الاثقان فی علوم القرآن
- ۱۱- در المثنور فی التفسیر بالمأثور
- ۱۲- الصدوق، محمد بن علی بن بابویه، الاعتقاد
- ۱۳- الطباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن
- ۱۴- الطوسی، محمد بن حسن، الثبایان فی تفسیر القرآن
- ۱۵- الفیض الکاظمی، ملامحسن، الصافی
- ۱۶- مسلم بن الحجاج القشیری، صحیح المسلم
- ۱۷- معرفت، محمد هادی، صیانه القرآن
- ۱۸- التوری، میرزا حسین، مستدرک الوسایل



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی